

# انتخابات آزاد و منصفانه

استراتژی عبور مسالمت مسالمت آمیز از جمهوری اسلامی!!

منوچهر مقصودنیا

تعریف انتخابات آزاد و پیش شرط های لازم برای برگزاری آن در اعلامیه اتحادیه بین المجالس به دقت و با جزئیات آمده است. مانند: "حق تمامی افراد برای مشارکت در اداره کشور خویش به طور مستقیم یا از طریق نمایندگان انتخابی، رأی دادن در انتخابات آزاد از طریق آراء مخفی، داشتن موقعیت یکسان برای نامزد شدن در انتخابات، و بیان عقاید سیاسی به طور فردی یا در تشکل ها، " \*

و یا در اصل ۴ بند ۱ در خصوص حقوق و مسئولیت دولت ها آمده است: "دولت ها باید با استفاده از ابزارهای مختلف مبتنی بر قانون اساسی و نیز تعهدات بین المللی خود، يك چارچوب ساختاری را برای برگزاری انتخابات دوره ای، حقیقی، آزاد و منصفانه فراهم آورند. "

و اینکه چه حقوق و آزادی های فردی و شهروندی، و حقوق گروهی تشکل ها و احزاب باید وجود داشته باشند تا انتخابات آزاد عملی گردد، در این اعلامیه تشریح شده است.

عملکرد انتخابات آزاد در ایران بطور کلی، یعنی درپروسه گذر از استبداد به دموکراسی و در شرایط ویژه حاضر با وجود حاکمیت رژیم مستبد و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی، چه معنی ای می تواند داشته باشد؟

اگر قبول داشته باشیم که کشورمان دوران گذار از استبداد به دموکراسی را طی می کند و یکی از ارکانهای مهم و اصلی سیستم سیاسی دموکراتیک را برگزاری انتخابات آزاد بدانیم، نتیجه می گیریم که شعار انتخابات آزاد در عین داشتن عملکرد مرحله ای، راه کاری بلند مدت و استراتژیک هم می باشد. راه کاری با عملکرد چند وجهی. یعنی علاوه بر عملکرد اصلی انتخابات آزاد که در اعلامیه اتحادیه آمده است: " مشروعیت هر دولتی برگرفته از اراده مردم آن کشور است که از طریق برگزاری انتخابات حقیقی، آزاد و منصفانه به صورت دوره ای و بر مبنای مفهوم جهانی حق رأی یکسان و مخفی تحقق می یابد. "

عملکرد مرحله ای و در خدمت گذر از جامعه استبدادی به جامعه دمکراتیک را هم داراست.

به پاره ای از این وجوه اشاره می کنم:

## ۱ — استراتژی دمکراتیک و مسالمت آمیز برای عبور از نظام جمهوری اسلامی

هم اکنون می توان از ۳ استراتژی برای تحول سیاسی در ایران نام برد. استراتژی " اصلاح نظام "؛ استراتژی سرنگونی و استراتژی تحول بنیادین دمکراتیک و مسالمت آمیز.

در مورد ۲ استراتژی اصلاح نظام و سرنگونی به اندازه کافی، در دفاع و یا نقد و بررسی اش مقاله نوشته شده است. در این مطلب کوتاه بدان نمی پردازم.

جمهوری اسلامی دارای مشروعیتی مبتنی بر اراده مردم کشور که از طریق برگزاری انتخابات حقیقی، آزاد و منصفانه و بر مبنای مفهوم جهانی حق رای یکسان و مخفی تحقق یافته باشد، نیست. چرا که تاکنون هیچ یک انتخاباتی که در جمهوری اسلامی برگزار شده آزاد نبوده است. و اساسا با وجود ساختار و قوانین حاکم بر نظام که مغایر ضوابط و معیار های بین المللی می باشد، امکان برگزاری انتخابات آزاد در آن ممکن نیست.

نه " سیاست تغییر رفتار رهبری "، که سیاست و سیاست ورزی را در حد دعوی خانوادگی پائین می آورد، و نه شعار " اجرای بدون تنازل قانون اساسی " که بنوعی تداوم نظام را در اذهان زنده می کند، نمی توانند چنان راه کاری باشند که علاوه بر دارا بدون خصلت مسالمت آمیز، جامعه را از نظام جمهوری اسلامی عبور داده و حاکمیتی دمکراتیک بر کشور مستقر نماید.

راه کار اصلاح نظام، که با وجود قانون اساسی و ساختار توتالیتر و ایدئولوژیک حاکمیت تقریبا محال می باشد. هر راه کاری که هدف عبور از ساختار حقیقی و حقوقی استبدادی حاکم، و جایگزینی اش با ساختاری دمکراتیک را در دستور نداشته باشد، در خدمت تداوم رژیم قرار می گیرد. اما از درون یک انتخابات آزاد و منصفانه، در ایران دولتی بیرون خواهد آمد که با نظام جمهوری اسلامی تفاوت ماهوی خواهد داشت. یعنی جامعه وارد مرحله بعد از جمهوری اسلامی خواهد گردید. و هم تحول انجام شده دمکراتیک و مسالمت آمیز خواهد بود.

آری، ویژگی دیگر این استراتژی، شکل دمکراتیک و مسالمت آمیز بودن آن است. برای این دمکراتیک است که مردم آزادانه و با حقوق برابر دست به انتخاب می زنند. مسالمت آمیز است، چرا که همه نیروها، سازمانها و احزاب دمکراتی که، معیارهای شناخته شده انتخابات آزاد و منشور جهانی حقوق بشر را پذیرفته اند، می توانند با حقوق برابر در آن شرکت نموده و تغییر و تحولات مورد نظر خود را از طریق صندوق رای عملی نمایند.

کوتاه سخن، این استراتژی هم امکان تحول بنیادین سیاسی و هم عبور از نظام جمهوری اسلامی را بصورت دمکراتیک و مسالمت آمیز فراهم کرده و کسی را هم از حیات سیاسی جامعه حذف نمی کند.

## **۲ — انتخابات آزاد بعنوان راه کاری برای هماهنگی و اتحاد عمل نیروهای سیاسی**

علیرغم پیشرفت های مثبت و چشمگیر صورت گرفته در جامعه سیاسی ایران، در راستای تحمل دگراندیشان، همنشینی با دیگر نحله های سیاسی، هماهنگی و همکاری بین نیروهای مختلف سیاسی، اما جامعه مهنوز با توافقی وسیع درگستره ملی فاصله دارد. سالهاست که برای غلبه بر این معضل تلاش شده است، اما مهنوز با راه کار و استراتژی واحد و مورد قبول رد پهنه ملی فاصله داریم. انتخابات آزاد می تواند یکی از آن حلقه های مهم گم شده برای توافق درگستره ملی باشد. راه کاری برای تحول دمکراتیک، مسالمت آمیز و ملی، که همچنین بر معیار بین المللی استوار می باشد. تاکید کنم که بدون چنین توافقی گسترده نه عبور از این نظام و نه گذر از جامعه استبدادی به جامعه دمکراتیک ممکن است.

در این شرایط آنهاییکه همکاری گسترده بین نحله های مختلف فکری در راستای استقرار دمکراسی مبتنی بر منشور جهانی حقوق بشر را درست دانسته و در این راه مبارزه و تلاش می کنند، راه کار استراتژیک انتخابات آزاد، یکی از حلقه ای اتصال مهم در این مسیر می باشد. به عبارت دیگر اگر در کنار نزدیکی و حتی اتحاد نیروهای هم جنس، ائتلاف بزرگ سیاسی از همه نحله های فکری را ضروری بدانیم، راه کار (استراتژی) انتخابات آزاد و منصفانه می تواند حلقه مرکزی توافق آن باشد.

خوشبختانه امروز شعار انتخابات آزاد و منصفانه با نظارت بین المللی، از سوی طیف های زیادی از جامعه سیاسی، چه در داخل و چه در خارج کشور مقبولیت کسب نموده است.

### ۳ — انتخابات آزاد راه کاری برای فردای بعد از جمهوری اسلامی

دوران گذر از استبداد به دموکراسی، پروسه ای سخت، پیچیده، نسبتاً طولانی، دارای افت و خیز و همراه با هزینه های جانی و مالی می باشد. این پروسه از دهها سال قبل در ایران شروع شده است. یعنی این پروسه قبل از حاکمیت کنونی شروع و تا مدتها بعد از آن هم ادامه خواهد داشت.

جمهوری اسلامی رفتنی است. دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. اما چگونه می توان بر چرخه معیوب کنار گذاشتن نظامی استبدادی و جایگزینی اش با نظام استبدادی دیگر غلبه کرد؟ چه مکانیزمی را می توان پیدا کرد که مردم سالاری و دموکراسی را جایگزین استبداد کنونی نماید؟ چگونه می توان امید داشت که اتحاد و توافق برای عبور از حاکمیت کنونی، فردا جایش را به دشمنی و حذف یکدیگر نخواهد داد؟ خلاصه، نیروهای مختلف سیاسی تا آنجا که ممکن است، می باید برمبنای منشور جهانی حقوق بشر و دموکراسی، برای دستیابی به توافق حداکثری تلاش کنند. طبیعی است که نمی توان بر روی تمامی موارد مورد اختلاف به توافق رسید.

چنین نیروی وسیع و گسترده ای، نمی تواند بر روی همه مسائل و چالش های پیش روی جامعه به توافق برسد. اختلاف نظر، بین نیروهای دمکرات سیاسی امر طبیعی است. اما هنر و مهارت جامعه سیاسی این است که چگونه با داشتن اختلاف نظر، بر اشتراکات همکاری کند. از این رو تلاش برای توافق بر روی تمامی مسائل پیش روی جامعه، کارساز نبوده و اختلاف برانگیز است. ولی نباید از این عدم توافق ترسید. و یا همکاری و اتحاد را موکول به این نمود که بر روی تمامی راه کارها و جزئیات برنامه ای، هم نظری و توافق صورت گیرد. چنین رویدادی عملی نیست. ولی چه مکانیزم دمکراتیکی برای حل اختلاف بین طیف های مختلف سیاسی می توان یافت؟ بشر متری و پیشرفته به این سوالات پاسخ داده است.

اما جواب به این سوال که با اختلافات چه کنیم، سوالی که به همان اندازه پیدا کردن اشتراکات و توافق بر روی آنها دارای اهمیت می باشد. راه حل، دمکراتیک و تجربه شده، می تواند چنین باشد، توافق کنیم که تصمیم گیری نهائی بر روی مفادی که بر روی آنها توافق حاصل نشده است، توسط نمایندگان منتخب مردم با برگزاری انتخاباتی آزاد و دمکراتیک، در مجلس موسسان ملی اتخاذ شود. در چنین حالتی، حتی بر روی مواردی که اختلاف داریم، توافق حاصل شده است. توافق با

شرکت همه نیروهای دمکرات.

راه حل دمکراتیک صندوق رای است. قبول کنیم که داور و تصمیم گیرنده نهائی روی اختلافات، مجلس ملی ای است که نمایندگانش بصورت دمکراتیک و آزاد انتخاب می شوند.

یا با هم توافق می کنیم تا با انتخابات آزاد شرکت، برنامه های خود را به رای گذاشته، و به نتایج بیرون آمده از آن تن دهیم، یا با یکدیگر جنگیده تا سرانجام قویترین نیرو بقیه را سرکوب و استبدادی دیگر حاکم شود. و این یعنی توافق عمومی در وسیعترین شکل ممکن درگستره ملی، حتی برای راه کارهای متفاوت برنامه ای و حزبی.

#### ۴ — ایجاد شکاف در نظام

گفتمان انتخابات آزادپتانسیل ایجاد هماهنگی و اتحاد عمل را در خود دارد. علاوه بر این، به جرات می توان اضافه نمود که گفتمان انتخابات آزاد شکاف درون حاکمیت را هم افزایش می دهد. آن بخشهایی از حاکمیت که از دایره قدرت نظام به بیرون پرتاب می شوند، بالقوه آمادگی پذیرش شعار انتخابات آزاد را دارا هستند. یعنی انتخابات آزاد از یکسوتوان متحد کردن مخالفین نظام جمهوری اسلامی را داشته و از سوی دیگر شکافهای درون حاکمیت را افزایش می دهد.

ما هنوز با فروپاشی رژیم فاصله داریم. در این دوره آن بخشهایی از نظام که توسط حلقه اصلی وسختش حذف و به بیرون پرتاب می شوند، به گفتمان انتخابات آزاد می پیوندند. اگرچه هنوز برداشتشان از انتخابات آزاد، با اپوزیسیون که معیارهای بین المللی پذیرفته شده در ارتباط با انتخابات آزاد را مبنی قرار می دهد، فاصله دارد. اما همین گام اولیه به اندازه خود مهم است. چرا که بخشی از حاکمیت به گفتمانی، هرچند در ابتدا ناقص روی می آورد که گفتمان اپوزیسیون است. یعنی حاکمیت بخشی از پایگاهش را از دست داده و همزمان بر پایگاه اپوزیسیون افزوده می شود. بعبارت دیگر گفتمان اپوزیسیون تبدیل به گفتمان سیاسی غالب در کشور می شود. اگر قبول کنیم که غلبه گفتمانی در سیاست گام اصلی و مهم برای تغییر و تحول می باشد، در آن صورت این رویداد به اندازه کافی برای هسته اصلی وسخت حاکمیت ترسناک خواهد بود.

اما چرا رژیم در مرحله فروپاشی نیست؟ درست است که توان مدیریتی رژیم بشدت تضعیف شده، ولی هنوز توان کنترل بحرانها و قدرت حکومت کردن را از دست نداده است. علاوه بر این آغاز فروپاشی زمانی است که

از یک سو حکومت توان کنترل بحرانها را از دست داده و از سوی دیگر نیروی سیاسی جایگزین، مورد قبول جامعه شکل گرفته باشد. اما دوره بعد از فروپاشی، و خلع قدرت حاصل از آن، بدون دردسرهزینه نیست. نسبت به شدت وحدت، چگونگی عبور و سطح و عمق توافقات نیروهای شرکت کننده در امر فروپاشی، این مرحله می تواند همراه با زخمهای شدیدی بر شیرازه و ارکانهای جامعه و یا با حداقل هزینه طی شود. در نتیجه هر نیروی ملی و آزادیخواه باید تمام توانش را بسیج کرده تا این مرحله با کمترین هزینه به سرانجام برسد.

خطروقتی جدی گرفته می شود که توجه داشته باشیم، حاکمیت جمهوری اسلامی در طول حیاتش نشان داده که از هیچ جنایتی برای تداوم و بقایش کوتاهی نمی کند. و وقتی هم که به مرحله فروپاشی برسد امکان بکارگیری خشونتی لخت و سهمگینتر در دوران انتظار نیست. علاوه بر این خطر ناشی از خلا قدرت بعد از فروپاشی، خلائی که با فروریختن ارگانهای دولتی ایجاد می گردد، دست کمی از خطر خشونت بکاربرده شده توسط حاکمان مغلوب ندارد. با ایجاد چنین خلائی، هر گروه کوچک، اما متمرکز، سازماندهی شده و خشونت طلب می تواند دردسرها فرین بوده و نیروهای سیاسی دمکرات متفرق را سرکوب و از شرکت در حیات سیاسی آینده حذف نماید.

بی توجهی و کم اهمیت دادن به خطرات ناشی از خلع قدرت دوران بعد از کنار گذاشتن رژیم، مقوله مهمی است که نباید جامعه سیاسی ایران بدان بی تفاوت باشد. معلوم نیست که اینبار حتما " با بیرون رفتن دیو، فرشته ای خواهد آمد". به همین دلیل آن راه کارها و اهدافی باید در دستور قرار گیرد، که علاوه بر خصلت و عملکرد هماهنگ کننده، اتحاد آفرین و صلب کننده، خصلت دمکراتیک، مترقی و ایجابی هم داشته باشد. انتخابات آزاد و منصفانه، هر دو خصلت و عملکرد را با هم داشته و یکی از محورهای مهم و سازمان دهنده چنین توافقی می باشد.

روشن است که راه کار انتخابات آزاد می تواند آن راه کاری باشد که ما دوره فروپاشی و بعد از آنرا با هزینه کمتری طی نمائیم. چرا که این حسن را هم دارد، تا بخشهایی از حاکمیت که " عاقلتر " بوده و نمی خواهند همه امتیازات بدست آورده را از دست بدهند، از هسته سخت و خشن حاکمیت جدا نماید. جدا شدن بخشی از حاکمیت در چنین مرحله ای چند امتیاز مهم دارد. الف — هسته سخت حاکمیت را ضعیف کرده و از شدت خشونت آن می کاهد. ب — از متلاشی شده کامل نهادهای دولتی جلوگیری می کند. ج — خلا کامل قدرت را بعد از فروپاشی از بین می برد.

\* برگرفته از — اعلامیه اتحادیه بین المجالس در خصوص شرایط انتخابات آزاد و منصفانه سال ۱۹۹۴